امور عکس و میکروفیلم

آستان قدس رضوی

بسم الله الرحمن الرحیم

ای ذکر تو گلفروش بازار سخن ٭ رنگین ز تو برگ برگ گلزار سخن

اوصاف تو دیباچهٔ مجموعهٔ نطق ٭ توحید تو مشاطهٔ رخسار سخن

زینت مدایح و زیب محامد حمد محمود و سپاس جل ذکره که حمدش زینت زبان و سپاسش
زیب بیانست بر تکیه عذار دلارای ستایش را بصورت آرای خامهٔ فکرت
بهیچگونه نمیتوان آراست جمیله روی خوب سپاسش را بچهره پردازی کلک خیال
بهیچ صورت نشاید پیراست ٭ صورتی را که بود خیره دران نور بصر
دست مشاطهٔ فکرت نتواند آراست ٭ رخسار سخن آرایش از چهرش گیرد و گونهٔ کلام
پیرایه از نگارش پذیرد و صورت حروف را معنی تابناک ستایش اوست و پیکر الفاظ را

پر از سودا سری هر دم ز سودای به هر بوئی　　پریشان خاطری هر لحظه از زلف پریشانی

نشسته شاد و خوش هر بنده مانند مولائی　　غنوده فارغ از غم هر گدا بی همچو سلطانی

بناز از هر لب با جامی نموده رخساری　　به رقص از هر کناری سرو قدی کرده جولانی

به رخ آن یک بود ماهی ولی ماه سخنگوئی　　به قد این یک بود سروی ولی سروی خرامانی

شده هر گوشه پیدا ز جیب هر دلارائی　　عیان گردیده خورشیدی ز چاک هر گریبانی

در آن عشرت نثار بارگاه شاه هر کس　　هویدا کرد لعل آبداری دُرّ غلطانی

همای همتا چون نبی بی شمار آخر　　نشد حاصل دری از معدنی یا لعلی از کانی

بر پشمینش این قطعه نثا کرده مهیا شد　　کنون از شرح بادلی چون بید لرزانی

غرض چون شد درین عیش همایون طرب افزا　　سلیمان زمانی شاد از بلقیس دورانی

ز غیب هم نغمی آواز او از بهر تاریخش　　که یک شد از دیدار بلقیسی سلیمانی

عیان تا هست پایانی به دوران عهد شاهی
نباشد عیش ایشان را چو عهد شاه پایانی

تم الکتاب بسخن واقعه ۱۲۹

سال ۱۳۱۸ خورشیدی

بازنویسی شد [illegible]

[illegible]

[illegible] جمادى الاولى [illegible]

[illegible]